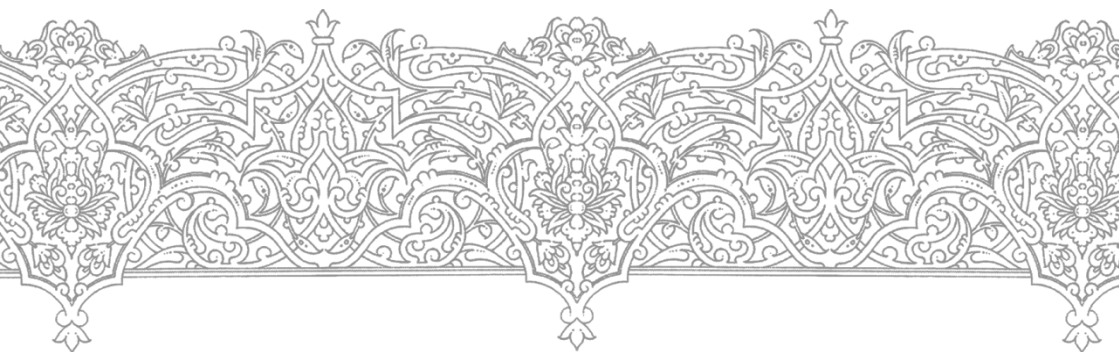




نقش راهبردی اخلاق در ایجاد وحدت

استاد دادخدا خدایار



ادعای اصلی این مقاله آن است که بحث اتحاد اسلامی و انسانی بیش از هر چیز، موضوعی اخلاقی است؛ زیرا هدف نهایی دین، کمال انسان، یعنی تجلی صفات الهی در او و تخلق به اخلاق الهی است. پیامبر(ص) نیز هدف رسالت خود را اتمام و اکمال اخلاق والا معرفی کرده و از سوی دیگر بیشتر اعتقادات و احکام نیز آثار، نتایج و ماهیت اخلاقی دارند؛ چون اسلام برای فریضه‌های تعبدی نیز هدف‌های اخلاقی در نظر گرفته، و در پی تحقق آنها در زندگی مردم است به طوری که در صورت عدم تحقق اهداف مزبور، مورد پذیرش حق تعالی قرار نخواهند گرفت. (مقدس، ۱۳۸۹: ۳۵)

در یک تقسیم‌بندی اولیه و کلی، ابعاد وجودی انسان در سه حوزه اندیشه، ملکات نفسانی و رفتارها جای می‌گیرند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. افزون بر این، وضعیت‌های مختلف نفسانی انسان نیز بر اندیشه وی تأثیر گذاشته، نگرش او را نسبت به حقایق و واقعیت‌ها تغییر می‌دهند و اندیشه نیز بر حدوث و زوال حالات نفسانی تأثیرگذار است. از سوی دیگر صفات نفسانی (اخلاقیات) مبادی و منشأ پیدایش رفتارها هستند و رفتار و عمل خارجی نیز، به‌ویژه در صورت تکرار و استمرار موجب پیدایش ملکات نفسانی می‌گردد. (دیلمی، ۱۳۷۹: ۱۳۳)

بنابراین وحدت به معنای همسویی در نگرش و دیدگاه، موضوعی اعتقادی، و مربوط به اندیشه بوده، مبنای اخلاقیات، و به معنای الفت، همدلی، برادری و محبت به یکدیگر، بحثی قلبی و از صفات نفسانی مثبت و اخلاقیات. براساس دیدگاه برخی، عرفان به دلیل ایجاد زمینه فضائی همچون پذیرش تکثر، درجات همدردی با دیگران براساس عبودیت، تواضع و شرح صدر می‌تواند بیش از هر چیز در پیشگیری از رویارویی مؤثر باشد و راه وصول به وحدت را به بشر بنمایاند. (رحیمیان، ۱۳۸۲: ۲۴ - ۲۳) یعنی بخشی از تأثیر عرفان در ایجاد الفت و جلوگیری از عداوت است که مربوط به بهره‌برداری از فضایل اخلاقی است.

مرحوم سیداحمد خمینی، ضمن آنکه اصول اخلاقی و ارزشی را لازمه گرایش عمومی به وحدت می‌داند معتقد است بدون حاکمیت این اصول بر جوامع بشری تلاش‌های مربوط به اتحاد بی‌ثمر می‌ماند. ایشان به نقل از از امام خمینی(ره) آورده‌اند:

مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت ... و پر واضح است که این کبیره موبقه (تفرقه) اگر رایج شود بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد در جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آنها ایجاد کند و برومند نماید، و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱۵ و ۲۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود امام خمینی(ره) بعضی از رذایل اخلاقی را از جمله آفات و آسیب‌های وحدت برشمرده‌اند. به تعبیر برخی از اندیشمندان سیاسی:

آنچه، از قرآن می‌فهمیم این است که اگر انسان، مؤمن، آگاه، متقی و متخلق به اخلاق اسلامی پرورش یابد، تکامل‌ها سرعت گرفته و اختلافات کم می‌شود. اختلافات به بخش نادانی انسان‌ها مربوط می‌شود و حتی اگر علما هم به «سوء اخلاق» آلوده باشند، این اشکال بروز می‌کند. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۲۱ - ۲۰)

درمان تفرقه و اختلاف مذکور به تعبیر بزرگان و اندیشمندان سیاستمدار اخلاق اسلامی است. (همان) بنابراین چنین به نظر می‌رسد که خردمندانه‌ترین روش برای تقریب مذاهب بهره‌گیری از اخلاق مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام است که بیشترین انگیزه جهت تقریب بین صاحب‌نظران مذاهب گوناگون را ایجاد می‌کند؛ چراکه اخلاق و فلسفه اخلاق از دو راه پشتیبان تقریب مذاهب است که عبارت‌اند از:

۱. احیا و تحریک تقوا در اندیشه صاحب‌نظران و اندیشمندان برای داوری عادلانه؛
۲. تأکید بر وجود مفاهیم مشترک در حوزه اخلاق و تقریب مذاهب، مخصوصاً نظریه‌های اخلاقی. (علی رحیمی، ۱۳۸۹: ۴۰۵)

مؤلفه‌های اخلاقی وحدت‌بخش

مقصود از فضایل وحدت‌آفرین، صفات ممدوحی است که با معرفت دینی، ایمان الهی، یقین قرآنی و حکمت عقلانی تأیید و پشتیبانی می‌شوند، جامعه توحیدی اسلامی را به نور وحدت و انسجام بیارایند. التزام به فضایی مانند تقوا، ایثار، سلم و نصیح، تولی و تبری، وفای به عهد، عدل و قسط، حقوق متقابل، همیاری و همکاری در بر و تقوا، ترویج نیکی و نیکوکاری، رعایت ادب و انصاف، اقدام و توصیه به صلاح، دوستی و محبت، احترام متقابل، گفتمان خردمندانه و صادقانه، مدارا و تواضع، ارتباط و معاشرت، تحمل و سعه صدر، و دوری از ردایی همچون خودخواهی، تعصب، اهانت، کینه، مادیگری، غلوی تفرقه‌ساز و افراطی‌گری، تکفیر، انزواگرایی، شهوت‌رانی، قومیت‌گرایی، مذهب و فرقه‌گرایی، تنگ‌نظری، خیانت، بدبینی، قضاوت جاهلانه، خرافات و اتهام از مهم‌ترین عوامل اخلاقی در پیشبرد و تقویت وحدت‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) تقوا

تقوا از ماده «وقایه»، عبارت است از محافظت چیزی در برابر اموری که به آن زیان و آزار می‌رساند. و در عرف اهل شرع خویشنداری در برابر گناه است که با ترک محرّمات و مکروهات و در برخی موارد با پرهیز از مباحات حاصل می‌گردد. (راغب، ۱۳۸۷: ۵۴۵) از میان مفاهیم اخلاقی شاید بتوان «تقوا» را جامع‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم دانست؛ زیرا تقوا به معنای عام هم دربردارنده فضایل اخلاقی و کمالات معنوی، و هم دارای دو جنبه ایجابی (محرک) و سلبی (بازدارنده) است.

زیرا از یک سو آدمی را به انجام طاعات و واجبات الهی برانگیخته، به کسب کمالات معنوی وامی‌دارد، و از دیگر سو او را به خویشنداری فراخوانده، از ارتکاب آنچه در شرع نهی شده برحذر می‌دارد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲:

۱۲۹) برخی با استناد به قرآن تقوا را جامع‌ترین وصیت خداوند نام نهاده‌اند. (محفوظی، ۱۳۸۸: ۱۶۸) در کلام معصومین(ع) از جمله در فرمایشات امام علی(ع) تقوا کلید هر راستی و ذخیره آخرت و مایه آزادی از اسارت درونی و برونی(اجتماعی) و نجات از تفرقه شمرده شده‌است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱)

تقوای فردی و اجتماعی موجب ایجاد و رشد بصیرت و تحکیم وحدت بوده، عامل تحقق همه زمینه‌های اخلاقی مربوط به اتفاق و یکپارچگی است. از جهتی چون تقوا نیروی بازدارنده و تسلط بر نفس، از ارتکاب گناهان و انحرافات خُرد و کلان و تفرقه و تشتت که از خطرناک‌ترین انحرافات و جرایم اخلاقی و دینی‌اند جلوگیری می‌کند، می‌تواند به‌مثابه قوه صیانت نفس مانع مجموعه گناهان و خلاف‌هایی شود که باعث جدایی افراد و ملت‌ها از یکدیگر می‌شود.

از این‌رو، از میان اخلاقیات تنها رعایت «تقوا» برای انسجام و همگرایی کافی است. چراکه می‌تواند چتری برای همه اخلاقیات باشد. این فضیلت قرآنی به‌مثابه یک فرهنگ و مکتب اخلاقی است که آثار و برکات زیادی در جمیع ابعاد حیات بشری داشته، زندگی همراه با سلم و صلح را در پی دارد.

ب) پرهیز از خودخواهی

از آنجاکه وحدت و همدلی نیازمند ایثار و از خودگذشتگی، انصاف و رعایت عدالت و حقوق دیگران، حق‌گرایی و مداراست و همه این فضایل در تضاد با امیال نفسانی از جمله کبر، عجب و غرور که ریشه در خودخواهی فردی و قومی دارند، قبل از هر اقدام دیگری برای رسیدن به وحدت در حوزه اخلاق باید با نفس مبارزه کرد و از خودخواهی منفی پرهیز نمود تا پس از رفع موانع اخلاقی دستیابی به وفاق و تفاهم به‌آسانی میسر گردد. در این زمینه امام خمینی(ره) می‌گوید:

همه گرفتاری‌هایی که برای بشر هست از این‌انانیت است ... توجه به خود وقتی باشد، همه جهات خودم باشم، همه چیز را برای خودم بخواهم، همه گرفتاری‌ها از این نقطه است. بالاترین ظلمت‌ها ظلمت انانیت است. ... تمام جنگ‌های عالم از این انانیت انسان پیدا می‌شود. مؤمن‌ها با هم جنگ ندارند اگر جنگی باشد بین دو نفر، باید بدانند که مؤمن نیستند. انبیا اگر همه با هم در یک‌جا و یک عصر مجتمع شوند هیچ اختلاف و نزاعی نخواهند داشت؛ چراکه همه آنها بر نفس خود مسلط و فرمانبردار خدایند. (موسوی خمینی، ۱۳۶۵: ۳۹ - ۳۷)

انسان دارای دو نفس الهی و حیوانی است. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «اقبل علی نفسک بالادبار عنها». (آمدی، ۱۳۷۹: ۲ / ۴۸۷) منظور از خود و نفس در اینجا خودخواهی مذموم است که ثمره جهل و عدم تربیت «حب ذات» بوده، خود، باعث لذت‌طلبی افراطی، دنیاگرایی، انحطاط اخلاقی، غفلت از خدا، سوءاستفاده از عقل و دانش، تجاوز به حقوق دیگران و تضييع امتیازات آنها، بی‌وفایی، کبر و ... شده، موجب اختلاف و تشتت در میان انسان‌ها می‌گردد و آنها را از رسیدن به وحدت باز می‌دارد.

به عقیده برخی، گرچه گاهی اختلاف در میان انسان‌ها ناشی از عوامل فکری و اختلاف در تشخیص است، این نوع اختلاف‌ها با رجوع به موازین عقلی و منطقی و تسلیم به حق، به سهولت حل شدنی بوده، هرگز منتهی به خصامت، درگیری و تشتت نمی‌گردد؛ زیرا اختلاف ناشی از اسارت در قید انواع خودخواهی‌ها، تعصبات و عقده‌های برآمده از خودخواهی است. (سادات، ۱۳۶۵: ۱۴۹) بنابراین یکی از شرط‌های مهم رسیدن به وحدت و تفاهم دست‌برد داشتن از خودخواهی‌های فردی و گروهی و رسیدن به وارستگی و آزاداندیشی و حق‌طلبی و انصاف است. زیرا تواضع، خودشکنی و از خودگذشتگی لازمه اتحاد و انسجام‌اند. (۱)

ج) تولی و تبری

یکی از ویژگی‌های ذاتی و نیازهای ضروری انسان‌ها «دوستی و دشمنی» است و انسانی بدون جاذبه و دافعه متصور نیست. هر فرد، گروه، ملت و امتی به چیزهایی محبت می‌ورزند و از چیزی دوری می‌جویند. اسلام افزون بر توجه دادن مسلمانان به این موضوع، برای دوستی‌ها و دشمنی‌های پیروان خود معیار قرار داده است که «تولی و تبری» باید براساس «حب فی الله» و «بغض فی الله» باشد به معنای دوست داشتن خدا و دوستان او و دشمن داشتن دشمنان او.

اینها مفاهیم و صفاتی‌اند که محور ارتباط با دیگران و معیاری برای اتحاد یا عدم اتحاد با سایر انسان‌ها، گروه‌ها و ملت‌هایند؛ از این‌رو، در متون اخلاقی اسلام بر آن تأکید فراوان شده است؛ زیرا معیار مزبور تعیین‌کننده جهت‌گیری اساسی و راهبردی مسلمانان در قبال دیگران و خودشان است.

این اصل اصیل، برگرفته از کلام الهی است که فرمود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) و در آیه‌ای دیگر ضمن تعیین بعضی از مصادیق دشمنان، درباره پرهیز از دشمن دوستی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نساء / ۱۴۴) در آیه‌ای از دوستی با یهود و نصاری نهی فرموده (مائده / ۵) و در جایی ملاک عدم دوستی را دشمنی خداوند و دشمنی خود مؤمنین برشمرده است. (ممتحنه / ۶۰) پیامبر(ص) در راستای این کلام الهی چنین فرمود:

محکم‌ترین دستاویز ایمان دوست داشتن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای اوست. دوست داشتن دوستان خدا و بی‌زاری جستن از دشمنان خدا. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۷۹)

و نیز فرمود: کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، هرگز با کافران برادری نمی‌کند و با افراد فاجر معاشرت و آمیختگی ندارد. (صدوق، بی‌تا: ۷)

اهمیت و منزلت دوستی و دشمنی ورزیدن برای خدا به‌عنوان یک راهبرد در تعامل با افراد و جوامع در کلام اهل بیت(ع) به‌عنوان همه حقیقت ایمان و در دوستی و دشمنی برای خداوند خلاصه شده است. یکی از یاران امام صادق(ع) از ایشان پرسید: آیا دوستی و دشمنی از ایمان شمرده می‌شود؟ امام(ع) پاسخ داد مگر ایمان چیزی جز

دوستی و دشمنی است؟ امام باقر(ع) نیز، فرمود: «دین و مذهب چیزی جز حب و دوستی نیست». (فرید تنکابنی، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۸۱)

با استناد به این نصوص دینی مسلمانان وظیفه دارند برای حفظ و تقویت وحدت، همه پیروان اسلام و بندگان نیکوکار خدا را دوست بدانند و با آنها همبستگی داشته باشند. لازمه دوستی و وحدت، مراعات سایر اخلاقیات از جمله: کمک، همیاری، امداد و پشتیبانی، نصیحت و خیرخواهی، خوش‌بینی، ایثار و فداکاری و پرهیز از حسادت و کینه‌توزی و عدم همکاری و دوستی و هم‌پیمانی با دشمنان است.

(د) پرهیز از جهل، تعصب و افراط

از علت‌های مهم دشمنی و تفرقه بین فریق مسلمین عدم شناخت صحیح و فهم درست عقاید و باورهای یکدیگر است. «تعصب» به معنای اندیشه بد درباره دیگران بدون ادله و شواهد کافی یکی از علت‌های عدم معرفت جامع نسبت به یکدیگر است. این دو عامل باعث بروز اقدامات خشونت‌بار، شدید و دور از ارزش‌های اخلاقی نسبت به دیگران می‌گردند و سلامت معاشرت و همزیستی (وحدت) جامعه را برهم زده، موجب تشدید کینه و دشمنی می‌شوند و چه‌بسا در این بین اشخاص و واسطه‌های فتنه‌جو و شیطنانی با سوءاستفاده از این خلأ معرفتی و اخلاقی، بر تفرقه و عداوت بیفزایند؛

از این‌رو، عدم آشنایی به مبانی اعتقادی و عملی یکدیگر باعث می‌شود بعضی از فرقه‌های افراطی خود را حق و دیگران را ناحق و باطل بدانند و عجزولانه حکم به تکفیر دیگر مذاهب داده، آن را اجرا کنند. شکل‌گیری افراط‌گرایی نتیجه خلل در ارزش‌ها و باورهاست و غالباً طرفی که به لحاظ معرفت و حجت ضعیف‌تر است، به آن متوسل می‌گردد. درحالی‌که در منابع روایی فریقین از پیامبر اعظم(ص) نقل شده است که فرمودند: «ریختن خون مسلمانی که به یگانگی خدا و پیامبری من گواهی دهد، روا نیست». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۰۲ / ح ۱۶۳۱۳) همچنین فرمودند:

مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند، دلیل و خوار نمی‌سازد و تحقیر نمی‌کند ... هر مسلم بر مسلم دیگر خونس، مالش، عرض و ناموسش حرام است

همچنین فرمودند: به همدیگر حسد نوزید، همدیگر را دشمن م شمارید، پشت سر هم بدگویی نکنید، برخی از شما بر دیگری ظلم نکنند، بندگان خدا با هم برادر باشید. (عطاء الطائی، ۱۳۶۹: ۲۰۰)

(ه) گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز

یکی از علل اختلاف و تفرقه بین نوع انسان‌ها و یا بین ادیان و مذاهب، قطع ارتباط و تعامل فکری و حضور فرهنگ حذف و درپی آن عدم آگاهی درست از باورها و ارزش‌های یکدیگر است که باعث سوءظن و قضاوت‌ها

و موضع‌گیری‌های ناصواب و اقدامات نادرست شده، و اسباب تفرقه را فراهم کرده است؛ چراکه «انسان دشمن ندانسته‌های خویش است و دوری به جفا می‌انجامد». (ملص، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

به همین علت در کلام الهی به‌صراحت بیان شده است که گوش دادن به گفتار و پذیرفتن بهترین قول نشانه هدایت و خردورزی است: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ». (زمر / ۱۸ - ۱۷) زیرا گفت‌وگوی صادقانه و منطقی گامی مهم در راستای رهایی از تعصب و فرقه‌گرایی و رسیدن به عقلانیت و هدایت بوده، به یکی از کامل‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های برقراری ارتباط، یعنی به همگرایی فکری و عملی و تضارب آرا و اندیشه‌ها می‌انجامد. امام علی(ع) با بهره‌گیری از معارف قرآنی در تشویق به تبادل آرا و نقش آن در ازبین‌بردن اختلاف‌ها و دستیابی به اندیشه درست می‌فرماید: اضربوا بعض الرأى ببعض يتولد منه الصواب. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ح ۶۸۳۲) پاره‌ای از دیدگاه‌ها را با پاره‌ای دیگر نقد کنید تا اندیشه درست از آن برآید.

خداوند از طریق وحی با بندگان سخن گفته و به پرسش‌هایشان پاسخ داده است. پیامبران خدا نیز با بحث و مناظره به روش احسن به شبهات مخالفان پاسخ داده‌اند. بحث و جدل شیطان با خدا، گفت‌وگوی هابیل و قایل، مناظره ابراهیم با مشرکین و بت‌پرستان نشانه تأکید و تشویق به آزادی اندیشه و دوری از دکماتیسم و خودرأیی است.

گفت‌وگوی پیامبر اسلام(ص) با مخالفان به‌رغم زشت‌ترین برخوردها از جانب آنان، ارتباط و تماس‌های فردی با آنان، حضور در میان قبایل، پذیرفتن هیئت‌های نمایندگی سایر ادیان، اعزام مبلغ به شهرها و قبایل و مکاتبه با سران حکومت‌ها، دال بر صحت، مفید بودن و تأیید این روش است که می‌تواند عاملی برای رفع کدورت و ایجاد مودت و هدایت به‌سوی حق شود.

گفت‌وگو به‌معنای بازبینی در سخن و هم‌آوایی بوده، مناظره دارای آداب، آفات، فنون، ابزار و روش‌هایی است که مراعات آنها باعث تأثیر بیشتر و مفیدتر این سنت حسنه برای وحدت‌آفرینی و استمرار و پایداری آن، و فقدان یا عدم رعایت هر یک باعث تشدید کینه‌ها و کدورت‌ها و تضعیف و فراموشی این نعمت قرآنی و نبوی می‌شود.

از جمله مقتضیات اخلاقی گفت‌وگو عبارت‌اند از: سعه صدر، بلندنظری، انعطاف‌پذیری، رفق و مدارا و احترام متقابل. بر همین اساس خداوند در قرآن در توصیه به خوش‌رویی و مهربانی در گفتار فرموده است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره / ۸۳) و در جای دیگر در تأکید بر هدفمندی و جدیت در گفت‌وگو می‌فرماید: «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب / ۷۰) و در جای دیگر بهترین شیوه‌های گفت‌وگو را چنین ترسیم فرموده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، (نحل / ۱۲۵) بر مبنای این آیه ارکان یک گفت‌وگو وحدت‌بخش عبارت‌اند از:

۱. حکمت، استدلال یابرهان؛ استفاده از سخنان یقینی و مطابق با واقعیت و علم؛ (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۵۸)

۲. جدال به شیوه برتر؛ دوری از تحقیر و توهین و حفظ جنبه‌های ادب و اخلاق؛

۳. موعظه حسنه؛ استفاده از بعد عاطفی و قلبی. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۰ / ۳۹۱؛ نوعی، ۱۳۷۹: ۷۷)

حاصل مراعات این اصل راهبردی و پرهیز از بروز آفات و آسیب‌های آن، نزدیکی افکار و دیدگاه‌ها و تألیف قلوب، و ایجاد دوستی، اخوت و اتحاد و انسجام خواهد بود و عدم ارتباط و گفت‌وگو گسیختگی، انزوای گرای، تعمیق خودخواهی، چیرگی شهوات، بسته‌شدن دریچه‌های معرفت، عقب‌ماندگی و فرقه‌گرایی را در پی خواهد داشت؛ از این رو، حتی اگر پس از گفت‌وگو و مکاتبه بازهم فرقی مذهبی و مجامع قومی بر سر بعضی از فروعات اختلاف‌نظر داشته باشند - که طبیعی است - اولاً: تحقیق و ارتباط و گفت‌وگوی خود را صمیمانه و خالصانه بر معیار مشترکات و هویت دینی خویش ادامه دهند؛ ثانیاً: سعه‌صدر، تحمل و ظرفیت و بردباری خود را نسبت به باورها و ارزش‌های یکدیگر بالا برده، با هم «مدارا» نمایند.

زیرا مدارا نسبت به سایر فرقی با وجود مخالفت افزون بر رشد تعقل، نقادی، تعاون، کارجمعی، وحدت ملی و مسئولیت اجتماعی، موجب تبیین شفاف آرای مخالف و موافق، و مانع ایجاد نفاق و عناد شده خودخواهی‌های فردی و گروهی به شدت تضعیف، و اتحاد و اتفاق تقویت می‌گردد.

(و) ادب و احترام متقابل

فراخوانی اسلام برای دعوت به تعامل اخلاقی، دعوتی فراگیر در تمامی زمینه‌ها و ابعاد مرتبط با حیات اجتماعی بوده، از قوانین و تعهدات و مسئولیت‌های دینی - اخلاقی گرفته تا مراسم عبادی و روابط خویشاوندی و خانوادگی و عواطف انسانی را در برمی‌گیرد. همه اینها بر پایه اصل خوش‌برخوردی با مردم و مهر ورزیدن و نرمش و مدارا و خوش‌رویی با آنان است که در شرع مقدس از آن به حسن خلق و معاشرت تعبیر شده است. امام صادق (ع) از حضرت رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: سه خصلت است که در هر کس جمع نشود هیچ عمل او تمام نیست. «ورع» که او را از گناهان دور کند. «اخلاق» که با مردم به مدارا رفتار نماید و «حلم» و شکیبایی که با آن نادانی جاهلان را رفع می‌کند. (حکیم، ۱۳۷۷: ۱۶۰)

شاهد این روایت رعایت اخلاق در رفتار با مردم است که می‌توان آن را به رعایت ادب و احترام و مهربانی و مدارا برای حفظ ارتباط حسنه، و آشتی، مسالمت و دوری از اختلاف، پراکندگی و قهر و دشمنی تفسیر کرد. بنابراین، تعامل اخلاقی بدین معناست که همه انسان‌ها مخصوصاً پیروان مذاهب در هر جایی که دیدار یا برخوردی با هم‌کیشان و یا سایرین داشتند، اخلاق و احساسات و عواطف انسانی را رعایت کنند تا دل‌ها به هم نزدیک و کینه‌ها زوده شود.

زیرا احترام به اعتقادات دینی و باورهای مذهبی و مقدسات سایر ادیان و مذاهب مهم‌ترین عامل انسجام و وحدت ملل و امت اسلامی است. براساس تجارب و شواهد موجود دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه و نزاع میان کشورها مخصوصاً میان فرق و مذاهب اسلامی، می‌کوشند با حربه اهانته و بی‌حرمتی به مقدسات، از جمله آتش‌زدن قرآن توسط کشیش امریکایی و تخریب حرمین عسکریین توسط افراط‌گراان وهابی، آتش فتنه را در جوامع شعله‌ور سازند.

ی) وفای به عهد و پیمان

اسلام به‌طور کلی بر ضرورت وفای به عهد و پابندی به میثاق در همه زمینه‌ها، براساس رعایت جنبه‌های اخلاقی، به‌خصوص در روابط اجتماعی و سیاسی - حتی در مقابل دشمنان - به‌عنوان مسئله‌ای بنیادی برای حفظ و بقای وحدت جامعه تأکید نموده است. نقش اخلاق و رعایت موازین اخلاقی از جمله عمل به عهد و پیمان برای وحدت‌بخشی جوامع ارائه داده است را می‌توان در آیات متعددی ملاحظه کرد که همه، بیانگر اهمیت رعایت آن در سطح روابط ملی و جهانی است (حکیم، ۱۳۷۷: ۹۸ - ۹۶) که در ادامه به یکی از آیات مزبور اشاره می‌شود: **إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُواكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ**. (توبه / ۴)

در این آیه افزون بر امر به وفای به عهد الهی و عمل به پیمان‌هایی که با مردم مؤمن و مسلمان بسته می‌شود، رعایت پیمان با مشرکان نیز لازم شمرده شده است.

قطعاً عدم التزام جوامع به میثاق‌ها و پیمان‌ها باعث بی‌اعتمادی، ستم، زور‌گویی و هرج و مرج و در نتیجه پراکندگی و اختلاف و نزاع می‌گردد و اساس امت‌ها و ملت‌ها را تهدید و تخریب می‌کند. از این‌رو، حفظ اعتبار و احترام پیمان‌ها و توافق‌ها برای حفظ سازگاری و همدلی ضروری است؛ چراکه این مهم هم از اخلاقیات قرآنی و سیره معصومین (ع) و عقلا، و هم از آیین فتوت و جوانمردی شمرده می‌شود.

ط) عدالت

عدالت چه به‌معنای اعتدال همه قوای فکری، غضبی و شهوی، و چه به‌معنای اعطا حق هر صاحب حق، اصلی اخلاقی - سیاسی و بنیادین است که زمینه‌ساز حفظ همبستگی و وفاق جامعه بوده، به‌معنای وسیع، زیربنای تمام تکالیف فردی و اجتماعی اسلامی و انسانی است. خداوند، با تأکید، همگان را به عدل و داد دعوت کرده (نحل / ۹۰) ضمن خطاب به دادرسان و قضاوت‌کنندگان به آنها دستور می‌دهد براساس دادگری داوری نمایند (نساء / ۵۸) همچنین در آیاتی فلسفه خلافت و بعثت و ولایت را امر به عدل و قسط دانسته، (نساء / ۱۳۵؛ اعراف / ۲۹؛ حدید / ۲۵ و ...) و ضمن تأکید بر عدالت در گفتار و کردار و اخلاق، در آیه‌ای آن را شرط صلح پایدار و نفی نزاع معرفی نموده، و اصلاح بین متخاصمین را مقید به آن دانسته است؛ «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» (حجرات / ۹)

در روایات نیز عدالت، عامل پایداری و قوام جامعه و اصلاح مردم، ثبات حکومت و آبادی و برکت دانسته شده است که همگی نقش عدالت به‌عنوان یکی از فضایل اخلاقی را در انسجام و هماهنگی و صلح و سلامت جوامع تأیید می‌کنند. (بیگی، ۱۳۸۹: ۴۹۶ - ۴۸۸)

با توجه به اینکه رعایت عدالت باعث دستیابی افراد و جوامع به حقوقشان است، رضایت از حکومت و یکدیگر را در پی داشته، زمینه‌های وحدت و آشتی و رفاقت را افزایش می‌دهد. عدم عدالت نیز عاملی است برای تبعیض و اعتراض و بروز اختلاف و عداوت. از این‌رو، عدالت اجتماعی و سیاسی ارتباط مستقیمی با اتحاد و اتفاق دارد. افزون بر اینکه عدالت به‌معنای اعتدال در قوای اصلی فکری و نفسانی یعنی تولید حکمت، شجاعت، عفت و متخلق شدن به اخلاق الهی و انسانی نیز، باعث از بین رفتن هواهای نفسانی و شیطانی شده، دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. زیرا ریشه اختلاف از حب نفس و افراط و تفریط است.

نتیجه

از آنجاکه وحدت، در همه عرصه‌های ملی، اسلامی، انسانی و جهانی به‌منزله موضوع و زیرمجموعه جمیع آموزه‌های اسلامی هدفی مقدس و خدایی است و کاملاً با مسائل اعتقادی و باورهای ارزشی و دستورهای دینی ما مرتبط است، تکلیفی شرعی، و اعتقادی الهی است؛ و از آن‌جهت که با افکار و سرشت روحی و رفتارهای فردی و اجتماعی ما سروکار دارد، سیاستی انسانی و اخلاقی است.

ثانیاً، مسائل و مفاهیم اخلاقی، همچون سایر مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و حتی بیش‌از آنها، در ایجاد وحدت و دفع عداوت نقشی جدی و عمیق دارند و هریک از صفات ممدوح و مذموم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فضای جامعه و زندگی اجتماعی تأثیرگذارند؛ این ادعا هم با ادله عقلی و تجربی و تاریخی اثبات شدنی است، و هم قابل استناد به قرآن و سیره و سنت معصومین (ع) و عقلا و صلحاست؛ بنابراین تقریب و وحدت میان انسان‌ها نیازمند متخلق شدن به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی، و تعامل و ترابط اخلاقی است. مخصوصاً اخلاقیاتی همچون تقوا، پرهیز از خودخواهی و هواهای نفسانی، تولی و تبری، وفای به عهد، دوری از تعصب و افراط، عدالت، مدارا و ادب و احترام در گفتار و ارتباط که جنبه اجتماعی دارند.

هرچه افکار و اعتقادات، حقانی‌تر، یقینی‌تر، حکیمانه‌تر و عمیق‌تر باشند و صفات و اخلاقیات نیکوتر و پسندیده‌تر و اعمال و رفتار صالح‌تر و اخلاقی‌تر شود و افراد و جوامع کوچک و بزرگ جهان، عالم‌تر، مؤمن‌تر، متقی‌تر و صالح‌تر باشند و در یک کلام هرچه اخلاق نظری و عملی تحقق بیشتری یابد، در سایه توسعه «آدمیت و انسانیت خدایی»، اتحاد و انسجام جوامع بیشتر خواهد بود؛ زیرا جاذبه، اخوت و وحدت الهی، حاصل اخلاق، و دافعه، تفرقه و عداوت شیطانی حاصل رفتار غیر اخلاقی است.

پی نوشت ها:

۱. در پی موضوع خودخواهی و ارتباط آن با وحدت، یکی از موانع اتحاد و انسجام، خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌هایی است که انسان‌ها را به خودی و غیر خودی تقسیم می‌کنند. شهید مطهری (ره) تحت عنوان «توسعه خودی» پس از پذیرش و برشمردن انواع «خود» و «من»، معیار خودی و غیر خودی را خیرخواهی در مسیر حق‌خواهی و خدابهرستی دانسته است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۳ - ۱۷۱)

بنابراین مسلمانان می‌توانند با توسعه مرزهای خود قبیله‌ای و نژادی و فرقه‌ای و رسیدن به خود به گستره‌ای وسیع‌تر با عنوان «خود اسلام» و هویت دینی ظرفیت خود را توسعه داده، الفت و ارتباط و همگرایی خود با سایر مسلمانان عالم را افزایش دهند و حتی در اقلی وسیع‌تر با همه حق‌طلبان و عدالت‌جویان جهان نیز اعلام همکاری و پشتیبانی کنند و به «خود انسانی» و بین‌المللی نائل شوند و «خود» را تا سرحد جهانی توسعه دهند.

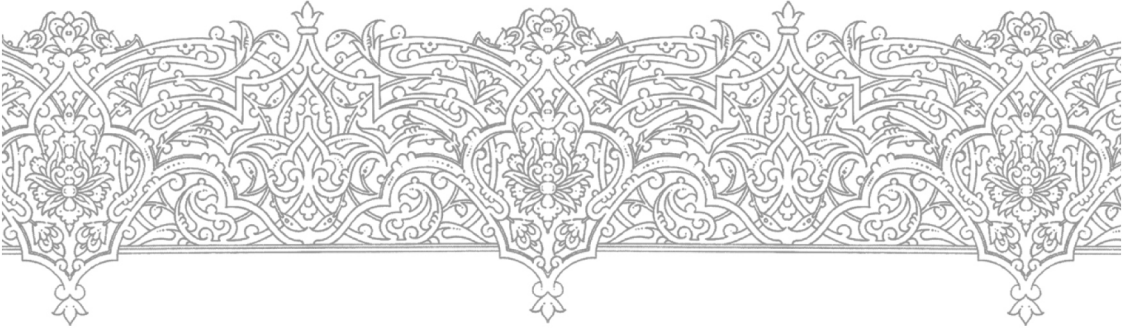
منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید.
۲. نهج‌الفصاحه.
۳. نهج‌البلاغه.
۴. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۹، غررالاحکم و دررالکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۵. اتحادیه جهانی علمای مسلمان، ۱۳۸۹، مقدس محمد، (مترجم) منشور جهانی علمای مسلمان، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۶. احمدی بیرجندی، احمد، ۱۳۷۶، اشعار اخلاقی در ادب اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. الهی، مجتبی، ۱۳۵۹، چهل حدیث درباره وحدت، مشهد، قدس رضوی.
۸. اسفندیاری، محمد، ۱۳۸۰، همه ما برادریم، تهران.
۹. _____، ۱۳۸۲، بعد اجتماعی اسلام، قم، صحیفه خرد.
۱۰. اکبری، محمدرضا، ۱۳۷۸، خودی و غیر خودی، پیام عترت.
۱۱. میرادوش، محمدحسین، ۱۳۸۹، تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۲. بیگی، روح‌الله، ۱۳۸۹، ارزش‌های اجتماعی در قرآن، تهران، اسوه.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، وحدت جوامع در نهج‌البلاغه، گردآوری سعید بند علی، قم، اسراء.
۱۴. حبیبی، سلمان، ۱۳۹۰، کتاب‌شناسی وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۱۵. حکیم، محمداقبر، ۱۳۷۷، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، تهران، تبیان.
۱۶. دیلمی، احمد، ۱۳۷۹، اخلاق اسلامی، قم، نشر معارف.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، المفردات فی غریب القرآن، تهران، آرایه.
۱۸. ربانی گلیایانی، علی، ۱۳۸۷، درآمدی بر علم کلام، قم، دارالفکر، چاپ اول.
۱۹. رحیمیان، سعید، ۱۳۸۲، عرفان و جهانی شدن، چکیده مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۰. زنجانی، میرزا ابوطالب، ۱۳۷۵، کیمیای سعادت، تصحیح دکتر ابوالقاسم امامی، تهران، میراث مکتوب.
۲۱. سادات، محمدعلی، ۱۳۶۵، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران، چاپ و نشر ایران.
۲۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، بی‌تا، صفات الشیعه، تهران، کانون انتشارات عابدی.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم.
۲۴. عطاء الطائی، نجاج، ۱۳۶۹، سیر اندیشه ملی‌گرایی، ترجمه عقیق بخشایشی، تهران، مرکز چاپ نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۵. علی‌رحیمی، رحمت‌الله، ۱۳۸۹، «نظریه‌های تقریبی در فلسفه اخلاق پشتوانه تقریب مذاهب»، مجموعه مقالات امت اسلامی، از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. گوهرین، سیدصادق، ۱۳۶۷، شرح اصطلاحات تصوف، تهران، زوار، چاپ اول.
۲۸. لاهوری، اقبال، ۱۳۷۲، گزیده اشعار فارسی، به کوشش دکتر ابوالقاسم دادفر، تهران، امیرکبیر.
۲۹. لکزایی، نجف، ۱۳۸۶، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)، قم، بوستان کتاب.
۳۰. محفوظی، عباس، ۱۳۸۸، اخلاق اسلامی، قم، مشهور، چاپ اول.
۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۹، گفتگوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث.
۳۲. _____، ۱۳۸۳، ترجمه میزان الحکمه، ج ۱۳، قم، دارالحدیث.
۳۳. مخزن الموسوی، ابوالحسن، ۱۳۸۹، الانسان الکامل فی لنصوص العرفانیه الاسلامیه، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدر.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱، پیام قرآن، ج ۱۰، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. ملص، مصطفی، ۱۳۸۷، «نگاهی به پدیده افراط‌گرایی و چگونگی برخورد با آن»، مجموعه مقالات امت اسلامی، چاپ‌ها، راهبردها، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۳۷. موسوی خمینی (امام)، روح الله، ۱۳۶۵، تفسیر سوره حمد، تهران، هجرت.
۳۸. _____، ۱۳۹۰، اصل وحدت کلمه و احتراز از تفرقه و تشتت، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری قدر ولایت.
۳۹. موسوی خمینی، سیداحمد، ۱۳۷۴، «وحدت در اندیشه امام خمینی (ره)، آوای وحدت»، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس وحدت اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۴۰. میرآقایی، سیدجلال، «حکومت از دیدگاه مذاهب اسلامی»، گزیده مقالات دهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.
۴۱. نوعی، غلامرضا، ۱۳۷۹، مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی، قم، کتاب معین.
۴۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۹، «امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی»، مجموعه مقالات فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۴۳. فصلنامه اخلاق - شماره ۱۳



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com